

یک نیروی چپ در شرایط کنونی چگونه عمل می کند؟ (قسمت نخست)

در حالی که جنبش اعتراضی مردم می رود گسترش و دوام یابد ظرفیت های آن برای پذیرش شعارهای فراتر از «موسوی، رای ما را پس بده» می رود و رادیکالیزم کنش گرای آن دفاع از خود و هجوم به نیروهای سرکوبگر را شامل می شود. این ها همه علائم خوبی برای یک نیروی چپ گرا محسوب می شود، یعنی نیرویی که تلاش خود را بر پیش رفتن از یک جنبش اعتراضی به سوی یک جنبش اجتماعی متمرکز می سازد. جنبش اعتراضی ویژگی ها و ظرفیت های خود را دارد، اما تبدیل آن به یک جنبش اجتماعی حاصل تصادف نیست. حاصل کار مشخص نیروهایی است که می خواهند یک حرکت اجتماعی بنیادین در جامعه شکل گیرد. به عنوان یکی از این نیروها، یک فرد یا تشکل چپ می داند از کجا آغاز کند: نخست بالا بردن سطح مطالبات. یعنی بیرون آوردن جنبش از خصلت محدود اعتراض گری عمومی خود و هدایت تدریجی و طبیعی آن به سوی مطالبه جویی های معین و مشخص.

برای این منظور نیروی چپ نخست مبرم ترین، حادثترین و جدی ترین مسله بخشی از طبقات یا اقشار اجتماعی را که مستعد ترین بازیگران صحنه جنبش اعتراضی هستند شناسایی و آن را با طرح شعارهای مشخص بر بار اعتراضی جنبش مذکور اضافه می کند. به طور مثال جنبش کنونی که در اعتراض به تقلب انتخاباتی شکل گرفته بود به مرور زمان آمادگی آن را می یابد که به مسله ای جدی تر که زاینده ی این تقلب انتخاباتی است برسد، یعنی نقش ولایت فقیه و نیز نقش سپاه پاسداران در ایجاد شرایطی که در آن این تقلب ممکن می شود. پس، جنبش توانایی و ظرفیت پذیرش یک شعار جدید را دارد: **ولایت فقیه، حذف باید گردد.**

یک نیروی چپ با طرح این شعار هدفمند سقف مطالبات جنبش را به گونه ای هوشمندانه و واقع گرایانه بالا برده است. این بستر را برای گام های بعدی آماده می سازد. (ادامه دارد)

** *